سال اول- شمارهٔ سوم | صبح سه شنبه سوم خرداد ۱۳۲۲ | تک شماره یک ریال


# آژیر

دارندهٔ امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه‌وری

**بهای اشتراک:**

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۶۰ د
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر عدلی پست تخفیف منظور میگردد

**بهای آگهی با دفتر اداره است**

جای اداره: خیابان خیام جنب کوچهٔ حمام باغ


## کی و چه جور عملی خواهد شد

دیروز روزنامه هاذر دادند که کمیسیون وسیعی که محصولیای کارمندان دولت گزارش می تهیم نمود آیا مجلس مدیم مالیه هنوز نشده یا انجام گرفته و عملی شده بایدبشود هنوز هنوز فعد اول است که دراین راه برداشته میشود.

اهالیه اطلاب مسائل عدالتپرورانه این موضوع‌هم احتمال میشود داد که غایلی جدی مورد اسفنال واقع شود.

بهر حال اصولا انتشار این قبیل لوایح فقه مثنی است اگر اجیاناً بحاکمی از روزنامه هاء مبرات کرده موشت که اهمه تکرده ممکن است بعضی از کارمندان دولت سوء استفاده کرده باشندباید طبق قانون جدید وهمیم روی عدم سلوش بامانع کشور ومصالح مملکت وهاهواران بهانه‌دیگر مبایعش دکان خود را تعطیل کرده بی کار خود بردولی لایحه کارطرف وزارت دادگستری و کمیسیون بودجه به مجلس میآید اتنه یک سند وسیع است واین سند میگوید بعضی اشخاص بودجه وسوء استفاده‌های هراتفاق امناء وحالا کارامات مرتکبین تحت تعقیب قانونی واقع‌شوندباین برای مردمایک تمام کارهای زمامداران و اولیاء امور دولت را بانظر بعینیتی وسوء ظن نگاه میکردند سلب بیوار مومی میباشد.

اما دخصوص حمل دوم لایحه ماعلل اینکه‌دولتان وضابت نسدهد وپادشوش بینه باشیم . زیرا از همان ماده اولی که میگوید وقت مکلف است حساب دارائی کلیه مستخدمین اعم ازلشکری و کشوری الخ وسندگی شاید بوی خوش بیاید زیرامامعلوم این وسیدگی ها را در دوره دیکتاتوری خلی زیاد دیده و آزموده‌ایم میدانیم دولت بیچه وزمام کار دولت دست کدام طبقه است وچه کسانی بزمام دولت کارگرده و دارند همان کارهای سابق خود را میکنند . ازین‌قبل دخشین امورات است که همیشگی حتی افواج و دوستان زدیکشان درعمل خاص نیستندو آنها خانه مراجعت بکنند زیرا هر کس درعقاب واز قوت آنها کوبیش خلی بدست آورده است تاچار دوا خر هم

واقعی خواهند شد کمیرده ازوبرخاکی کاپتولان خواهد شد بعون نباید . ومعل آسایش آنها نشود .

همه بعضی باید دادیم که پیش از شهریور دولت وهزار حال خود را جدا تعیین‌میشود و چلوچشم‌هیشهای باورمی بود که در دوبر وبیاست مردان بزرگ مثلا سرپیت پسان سرتیپ آرم وغیره باایالا ت‌دولت‌ایران‌ورادر از متمان دولت جدا باورمی سخت شده مرتحقیقین دست وسنه برای مجازات بیشوندکم اجراء میگردیدند.

مظلوم‌است وشبکه‌ها کار بدست عمال دولت افتادمخصوصا کابریکه‌رعایه خود اهمای دولت است افاده وتمری بدارد . در این قبیل‌موارد بایدهمه‌های زرگنر وجدی تری برداشته شودمثلا جرا مجلس شورای ملی واعضای آن مستقیماً نمیتوانند این کار را عهده بگیرند و یا بجهه ملاحظه ممکن نیست کشوری . آیامبود ومعنی واقعی آن وا ا هکام نمون لاهه خوب درک کرده‌اند .

من که الان دارم این سطور را قلم میاورم‌بیشتم مارزود که میاداتراف باز برخورد

او اوتیتی که تا بحال برخند متنظیس نمودن شده است کدام یک را همای گرده اند که این یکی هم از جمله آنها باشد ؟

وامیگوی که هرت داردودخانه آن و این خلاصه از ما بهتران چپ بکند چشم آدمرا در میاورد . مگر نمیبه قانون‌مع اختکارمهم خیلی کهنه شده است .

برای امروز کمان میکنیم کافی باشد .

اگر ورزکار مانی پش بیاورد حتی الضرور مواد این لایحه عجیبوا بادیریخ علاجی خواهیم کرد .

## یك پرده از زندگی روزانه

با دیدمن آفتاب قدمهون آکیه همانمادارای نقاشی بهران مرتفع شده بود از خانه بیرون شد . مانند هر روز بانتظاروبهه همه دلخوش کننده های دکتر بمرخت در کار میرفتم و سوی تحصیل روزی بخرو و نبرخود عائله ام شتابان بودم . من تنها نبودم؛ همه در رفت وآمد بودند سرها پائین بود . قدمها تند ولیکه کف پر کف میان میساید . کسی یکسی کاری داشت‌همه‌تنها کارروزانه خودمرداشته بهره های رنگ وبوی گوناگون بهر زمان لاغر و بی تناسب هایرین افکار را بخود معطوف داشت بی خیال‌از دوزخ مرغوب خود و غیبانآن کارمندان بی دست و پا کوسوت بی پاهای وراه نیمه‌ها بیکی جز پرداخت سه تا چیز نداشتند بیکی جز در دو و دوزاری بیکی جز بیچارگی باید با طلوع آفتاب

## این روزنامه بغیر از روز شانبه هر روز صبح منتشر میشود


تو مخابرات و نقاشی

**کاروان ده نفر گم شده**

صدای و همهمه روی گوش رسید آمدای میوان یك موجودی مثل مارشوی بود کمی جلب وگاهی جلو میدود و مرمثل میداد عاهرمدی که مرمعلشیر زمین محبوبه ومحبوبه وارد شد مثل شهر بانی مشهم کاسی شهرستی کاروان بیك مرد خفه اسر ایشان را واماه‌ای کوچه چشمی وی هم اشتباه مشکلت بنی اسرائیل رحمت باید مرش کنت روز با خواهش مراهم کرده بعد کمی بعدر هم مرد روی فرش‌دوام کشید محبور ارهمت شد دوخود کرده‌ای سوزان سلطانهای حوب وهوای مطبوعی بود شد دل و بوی . آن شد بوه‌ها هر صبرو تخت وبازی ساخت روز ازدوسه‌ساعت که سالی و مدای با پلیس قائم صدیه بوده روز ازدوساعت هم گرم بود بی شجر بعض ساعت میوانات اشتباه شد مقدمه مراهم کرد کمی ساعتهی بود هوه چیزی از آنها هم وجود نبود و بسیار این موجودی مراهم کم میکند بعد کمی گرسنه شدم بعد کمی تشنه شد و آنوقت شیرهای میشد بعد کمی بوی موجودی بود بعد کمی بوی موجودی بود بعد کمی بوی آن بی موجودی خیلی موجودیکرد بعد کمی بوی دود بعد کمی بوی آن بی مطلع بود بعد کمی بوی آن بی مطلع بود بعد کمی بوی آن بی مطلع ب

# در دنیا چه خبر است

**مسکو** — طبق اخبار سرگرانی انگلیس [illegible] شوروی [illegible] در [illegible] ۳۳ [illegible] روز [illegible] گردیده [illegible] روز [illegible] شوروی [illegible] کشور [illegible] شوروی [illegible] کشور [illegible] شوروی [illegible] کشور